

## شورای نگهبان و دفاع از کودک آزاری

نظرات قرون وسطایی مرتجعان حاکم هر روز در عرصه جدیدی خود نمایی می کند و موجی از انزجار و تنفر را در جامعه بر ضد این حرکات و نظرات بسیج می کند. از جمله معضلات مهم و ناهنجاری های اجتماعی که گهگاه به درون صفحات روزنامه های کشور درز پیدای می کند، مسأله کودک آزاری است. ابعاد کودک آزاری شاید در وهله اول معطوف به تنبیه های معمول کودکان در سطح عمومی تعبیر شود اما ابعاد فجایع این چنینی وقتی به مرزهای خطرناک می رسد که خبر شکنجه های وحشیانه تا سرحد مرگ بر ضد این کودکان در جای جای این میهن در سطح زیادی اتفاق می افتاد.

یکی از علل بروز این اقدامات ضد انسانی که متأسفانه معمولاً توسط نزدیکان کودک صورت می گیرد وجود قوانینی است که نه تنها از بروز چنین مواردی جلوگیری نمی

ضمیمه

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۴۱، دوره هشتم

سال نوزدهم، ۵ شهریور ۱۳۸۱

## «هزینه» سرکوب جنبش اصلاحات

و فعال است. آرمین در بخش دیگری از سخنانش ضمن اشاره به شکایت جامعه اصناف بازار به کمیسیون ۱۰ احزاب مجلس و سپس پس گرفتن این شکایت به دلیل سمباتی این کمیسیون مجلس با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی افزود: «استاد آقایان این بود که در کمیسیون بنده به عنوان یکی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب حضور دارم و آقای سلیمانی عضو جبهه مشارکت و آقای مبلغ به عنوان مسئول این کمیسیون، گرایش های جانبدارانه دارند. آرمین ادامه داد: «آیا می توان صلاحیت یک مرجع حاکمیتی را به صرف عضویت افرادی با گرایش های سیاسی در آن نفی کرد و اساساً با چنین برخوردی با نهادهای حاکمیت آیا سنگ روی سنگ بند می شود. مثلاً ما عملکرد شورای نگهبان در بررسی مصوبات مجلس را بی طرفانه نمی دانیم و برخی اعضای شورای نگهبان و منسوبین آنها را دارای گرایش های تند و حاد سیاسی می دانیم، اما آیا به دلیل چنین اعتقاد و باوری می توانیم شورای نگهبان را فاقد صلاحیت بدانیم و آیا مجلس می تواند به این دلیل بگوید که نظر شورای نگهبان را در مصوبات مجلس نمی پذیرد. یا مثلاً ما می توانیم به خاطر این که فکرمی کنیم برخی محاکم قضایی و برخی افراد در این قوه دارای گرایش های سیاسی هستند، این قوه را فاقد صلاحیت بدانیم؟ بحث محسن آرمین در دفاع از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از چند زاویه گوناگون قابل تأمل و بررسی است. نخست آنکه به نظر می رسد نگرانی اساسی آرمین در این بحث این است که اگر متحدان دیروزی و نیروهای «خودی» این چنین مورد یورش قرار بگیرند و غیر قانونی

ادامه در صفحه ۲

فشار مستبدان حاکم برای سرکوب روند اصلاحات و از صحنه خارج کردن نیروهایی که به گونه بی از روند اصلاحات حمایت می کنند هر روز ابعاد تازه بی به خود می گیرد. پس از سرکوب نهضت آزادی و محکوم کردن شماری از اعضای نهضت آزادی به زندان های طولانی مدت، فشار برای سرکوب و غیر قانونی کردن سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، که زمانی از متحدان و نیروهای اساسی حاکمیت به حساب می آمد ابعاد گسترده تری به خود می گیرد. بر اساس گزارش ایسنا، محسن آرمین، عضو رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در مصاحبه بی در جمع خبرنگاران پارلمانی و در عکس العمل به شکایت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بر ضد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و همچنین در پاسخ به سئوالی مبنی بر علت شکایت جامعه اصناف بازار گفت: «این اقدام (شکایت از سازمان) آنقدر غیرمعقول است که هیچ حزب و گروه سیاسی معتبری حاضر به انجام آن نیست، بحث انحلال سازمان بیشتر شبیه یک شوخی است، چون این اقدامات قطعاً هزینه های سیاسی زیادی را به نظام تحمیل می کند و بعید است که چنین نگرش هایی از سوی مراجع رسمی و قانونی تأیید شود. آرمین درباره اقدامات بازدارنده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مقابله با برخوردهای احتمالی با آن گفت: «اقدامات ما از چارچوب های سیاسی خارج نمی شود. احتمال انحلال سازمان بسیار ضعیف است. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی یک تشکیلات بسیار ریشه دار و دارای منشأ در نظام جمهوری اسلامی بوده است و اکنون به عنوان تشکل سیاسی قدرتمند و صاحب اثر و نفوذ

کند بلکه لزوم چنین مواردی را مورد تشویق قرار می دهد. روزنامه حیات نو، ۲۸ مرداد، در خبری در رابطه با چنین قوانینی نوشت: «مواردی از مصوبه مجلس در خصوص طرح حمایت از کودکان و نوجوانان در جلسه دیروز به منظور تأمین نظر شورای نگهبان اصلاح شد. محمد کاظمی مخبر کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس یکی از ایرادات شورای نگهبان را متوجه مواد ۲ و ۴ این مصوبه دانست و گفت: شورای نگهبان سؤال کرده که آیا این مواد شامل اقداماتی که اولیاء و مربیان کودکان بر اساس وظیفه ای که بر عهده آنها گذاشته اند و در مقام تربیت ایفا می کنند، می شود؟ گزارش حیات نو در این باره ادامه می دهد: «به موجب ماده ۲ و ۴ این طرح هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب می شود به آنان صدمه جسمانی یا آزار روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است. ضمن آنکه نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع است و مرتکب به ۳ ماه یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می گردد. مخبر کمیسیون مزبور در این مورد گفته است که، جهت رفع ایراد شورای نگهبان به این مواد، ماده ۷ اضافه شده که به موجب آن اقدامات تربیتی والدین که بر طبق مقررات قانونی در ارتباط با فرزندان انجام می گیرد، مشمول این قانون نمی شود. نگاهی دوباره به ایراد شورای نگهبان نشان می دهد دغدغه و دلسغولی آنان از تصویب چنین قوانینی نه مسدود کردن تمام راه ها برای جلوگیری از انجام اقدامات وحشیانه بر ضد کودکان و نوجوانان، بلکه مفر و محفظ هایی جدید برای رهایی شکنجه گران کودکان در آینده می باشد. عجیب آنکه رژیم ولایت فقیه شکنجه و اذیت و آزار کودکان را جنبه شخصی و خانوادگی قلمداد می کند و کسانی را که به انجام چنین اعمالی مبادرت می ورزد با همین بهانه از چنگ قانون فراری می دهد اما در موردی که راه های اعمال شکنجه می خواهد مسدود و یا جلوگیری گردد از آن حالت شخصی و خانوادگی خارج شده و وظیفه شورای نگهبان این است که چنین مواردی با «شرع» انطباق کامل داشته باشد.

با اینکه کودک آزاری و شکنجه کودکان یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار در بررسی و تصویب چنین طرحی بود و به دلیل چنین فشارهای فزاینده بسیاری را انتظار بود که این قانون از سد شورای نگهبان عبور کند متها یک بار دیگر این مسأله به اثبات رسید که در قاموس کسانی که در غالب شورای نگهبان به مخالفت با چنین مواردی می پردازند، آن چیزی که بیشترین اهمیت را دارد، حفظ منافع بلند مدت رژیم ارتجاعی است و اگر در این میان انسان بی گناه و معصومی چون کودکان به قربانگاه برونند اهمیتی ندارد. بررغم تمامی این موارد نباید اجازه داد با استفاده از «احکام شرعی» جان کودکان بی گناه قربانی منافع مشتکی غارت گر و چپاول گر گردد. افشاگری های بی امان می تواند کمک موثر در این راستا باشد.

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## بینش واپس گرایانه نسبت به حقوق زنان

تجربه سال‌های حکومت رژیم ولایت فقیه نشانگر دشمنی آشکار حاکمان تاریخ اندیش با حقوق و آزادی‌های دموکراتیک زنان ستم دیده میهن ماست. بعد از دوم خرداد ۷۶، فشارهای فزاینده جنبش مردمی برای احقاق حقوق زنان در سطح وسیع باعث گردید در مقاطع مختلف، قوانین جدیدی مطرح شود که نه تنها منعکس کننده وضعیت اسف بار زنان از نظر حقوق اجتماعی نیست، بلکه عمدتاً بازتاب برداشت‌های عمیقاً ارتجاعی بی در زمینه حقوق زنان است. اخیراً طرحی در این راستا در مجلس مطرح گردیده که بر اساس آن زن می‌تواند اجرت کارهایی که را به عهده او نبوده و در ایام ازدواج انجام داده است از "ماترک زوج متوفی" مطالبه نماید. روزنامه آفتاب زد، ۲۴ مرداد از قول مخبر کمیسیون قضایی مجلس نوشت: "مقتضیات زمان دلیل اصلی مصوبه جدید در مورد اجرت المثل است." وی همچنین اضافه کرد: "مقتضیات زمان و مسایل مستحدثه ای که در زندگی زناشویی زوجین در سال‌های اخیر بوجود آمد تغییر برخی قوانین مدنی را متناسب با مقتضیات ایجاب می‌نماید و خصوصیت مجالس قانون گذاری تغییر قوانین است." شهربانو امانی دیگر نماینده مجلس گفت: "با توجه به شرایط اقتصادی کشور و هنجارهای جامعه، چون تامین اجتماعی آنچنان برای زنان جامعه موجود نیست و در زمان طلاق نیز مهریه، مایحتاج زن را تامین نمی‌کند، لذا پیش بینی شد زوجه بتواند هزینه کارهایی که را به عهده او نبوده، بعد از فوت همسر و حتی در صورت طلاق، اجرت المثل خود را بگیرد." جلودارزاده دیگر نماینده مجلس گفت: "این تبصره به لحاظ اجتماعی موقعیت زن و منزلت مادرپس از فوت همسرش می‌شود. همچنین این قانون موجب می‌گردد تا این ارزش‌ها و توانایی‌های اقتصادی زن در جامعه حفظ گردد." وی افزود: "با توجه به این که امروز به لحاظ تغییرات فرهنگی و اقتصادی فرزندان پس از فوت پدر اقدام به تقسیم ارث می‌نمایند و اکثر مادران با سنین بالای ۵۰ ساله بی‌خانمان می‌شوند، وضع چنین قوانینی می‌تواند حقی برای مادران قایل شده و آنان را از فقر و تنهایی رها سازد." اینجا بحث اصلاً بر سر تصویب و یا عدم تصویب چنین طرحی و اینکه آیا چنین امری به کاهش آرام روحی و جسمی زنان کمک می‌کند یا نه هم نیست. مهم ترین نکته در این مقوله نوع نگاه و بینش نسبت به زنان است. نگاهی دوباره به سخنان بالا بیاندارد و گفته‌های کسانی را که در حمایت از زنان سخن رانده اند را مرور کنید. چه تصویری از زن در ذهن نقش می‌بندد. زن بک موجود زنده است و وظیفه اش خانه داری و بزرگ کردن بچه‌ها می‌باشد و به دلیل چنین کاری مستحق پاداش است. زن جزئی از جامعه و خانواده نیست و فقط شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی ایجاب می‌کند که رژیم اسلامی نسبت به تغییر قوانین که به آن نام مدنی هم داده اند اقدام کنند. خوشبختی جامعه ما در این است که برغم تمامی این بینش‌های عمیقاً ارتجاعی، توده‌های میلیونی در میهنمان بدون توجه به این قوانین و بینش‌ها با برابری قراردادها و نانوشته‌ها تنها چنین افکاری را به بی‌تفاوتی رد می‌کنند بلکه با بینشی انسانی نسبت به همسران و مادران خویش تفاوت افکار مترقی با تفکرات قرون وسطایی را به رخ حکومتیان می‌کشند. اما نباید از این مسأله غافل ماند که به دلیل نفوذ همین بینش‌های ارتجاعی در میان بخش‌هایی از زحمتکش ترین اقشار جامعه، ناهنجاری‌های عدیده‌ای دامن این خانواده‌ها را گرفته که حاصل پاسداری از قوانینی است که توسط رژیم ولایت فقیه به آنان نام "ارزش‌های فرهنگی" داده است. بینشی که زن را از نظر فعالیت اجتماعی محدود به چارچوب‌های خانگی می‌کند و با دیدی حقیرانه به این قشر نگاه می‌کند، و در تمامی قوانین موجود وی را از یک نیمه انسان بیشتر بالا نبرده است، به روشنی ثابت می‌کند که ضد زن می‌باشد. مخبر کمیسیون قضایی مجلس با اشارات و آمیلواری‌هایی که ابراز کرده، به نحوی از اعضای شورای نگهبان در لفافه خواستار تایید این مصوبه تحت رسیدگی گردیده است. نکته دیگر اینکه مطرح کردن چنین طرحی به صورتی تنظیم گردیده که حداکثر خواسته‌های این شورا مورد توجه قرار بگیرد و در لابلای آن شانس بسیار کوچک را برای زنان در نظر گرفت. اما بالاترین نهاد حکومتی رژیم که به نحوی تماماً منتخب رهبری هست، وظیفه‌ای به جز پاسداری از این قوانین ضد انسانی را برای خود قابل نیست. بنابراین حتی در همین حد هم نباید انتظار داشت شورای نگهبان در این مورد هم نرمشی نشان دهد. نتیجه کلی اینکه بینش و وجود قوانین ارتجاعی در رژیم ولایت فقیه آینده‌ای روشن و مورد مطلوب را برای زنان رنجیده میهنمان به ارمغان نخواهد آورد.

## ادامه "هزینه" سرکوب اصلاحات ..

گردند و حتی کمیسیون‌های مجلس نیز مورد تهاجم قرار گیرند آنوقت "سنگ روی سنگ" بنا نمی‌آید و تمامی چارچوب‌ها و اساس "نظام" زیر سؤال خواهد رفت. آرمین در همین جا به طرف مقابل هشدار می‌دهد که درست برای حفظ سنگ روی سنگ است که نیروهای خودی مدعی اصلاحات بررغم آنکه می‌دانند نهادهایی چون شورای نگهبان و قوه قضائیه زیر دست تندروان مرتجع است معذالک برای حفظ "سنگ روی سنگ" به خود اجازه نمی‌دهند تا صلاحیت این نهادها را زیر علامت سؤال ببرند!

سؤال اساسی که در این جا مطرح است و شاید از گره گاه‌های عمده و ضعف‌های جدی نیروهای از قبیل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در دفاع از روند اصلاحات بوده است این اعتقاد عمیق به حفظ "نظام" به هر قیمت و حفظ اعتبار نهادهایی است که این چنین آشکارا در مقابل خواست مردم و روند اصلاحات ایستاده اند. تسلیم به قوانین "بازی" تعیین شده از سوی تاریخ اندیشان حاکم در طول پنج سال گذشته ثمرات فاجعه باری برای جنبش مردمی و نیروهای سیاسی - اجتماعی مدافع اصلاحات به همراه داشته است. حفظ همین چارچوب‌ها به نیروهای ارتجاعی اجازه داده است که با حداقل هزینه برنامه‌های سرکوب گرانه خود را یکی پس از دیگری به پیش برند و جنبش مردمی را با چالش‌های اساسی روبه‌رو سازد. قتل‌های زنجیره‌ای و کشتار دگراندیشان، سرکوب خشن و خونین جنبش دانشجویی، بستن بیش از هشتاد روزنامه و نشریه مدافع اصلاحات و اکنون سرکوب و غیر قانونی کردن تشکل‌های سیاسی مجاز مدافع اصلاحات از جمله برنامه‌های مرتجعان حاکم برای سرکوب کامل جنبش اصلاح طلبی بوده است که با حداقل هزینه تا به امروز به مرحله عمل درآمده است.

مسأله‌ی که آرمین و همفکران او به خوبی آن را درک نمی‌کنند این است اتفاقاً به دلیل همین برخوردهای مماشات گرانه و از موضع ضعف و "حفظ سنگ روی سنگ" است که نیروهای ارتجاعی به خود اجازه می‌دهند که پس از گذشت بیش از بیست و سه سال یکی از نیروهای سیاسی اساسی حاکمیت را این چنین مورد تهاجم قرار دهند و در صورت تسلیم نشدن این سازمان به خواست تاریخ اندیشان حاکم باید منتظر قدم‌های بعدی بود. آیا وقت آن نرسیده است که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و همفکران این سازمان در جبهه مشارکت اسلامی از تجربیات گذشته درس بگیرند و ملاک بر خود با مسایل و معضلات سیاسی کشور را نه حفظ "سنگ روی سنگ" بلکه حفظ منافع مردم و جنبش مردمی قرار دهند. تجربه پنج سال گذشته به دفعات نشان داده است که تنها با مبارزه سازمان یافته و سنگین کردن هزینه سرکوب برای مرتجعان حاکم، از طریق اوج گیری اعتراض‌های توده‌ای وسیع است که می‌توان نقشه‌های ارتجاع را با شکست رویه رو کرد.

آدرس‌ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از کد هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

27 August 2002

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 641  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse